# چراغ ایزد افروز




بسم الله الرحمن الرحیم

# چراغ ایزد افروز


نویسنده:

مجله حوزه



ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# چراغ ایزد افروز

## مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

## کلام نخست

کوه حرا در اطراف مکه که هر ساله در ماه رمضان بر پاک ترین مرد زمانه آغوش می گشاید، دراین سال شاهد وقوع پدیده ای شگفت است، دیوارها، قطعه قطعه ی سنگ ها، در نوای مناجات این مرد نرم شده اند، در برابر روح پرستنده و بی آلایش او سر فرودآورده اند که ناگاه نوایی بس پرمهابت لرزه بر پیکره ی کوه می افکند، ندایی که آن مرد را به نام می خواند و بشارت می دهد که از سوی خالق جهان به شرف نبوت شرافت یافته، تا انسان های سرگشته در تاریکی های جهل را به روشنایی و نور راهبر شود. و این آغازی است بر رنج های بی شمار مردی که تا آن زمان محمد امین بود و پس از آن شب محمد رسول الله خاتم النبیین(ص) شد. رنج هایی که تنها شانه های استوار و ایمان نستوه او توان تحمل آن را داشت، مردی که در تمام کائنات یگانه بود و براین یگانگی، محبوب پروردگار عالمیان شد.قریشیان، تا آن زمان محمد را امین مکه می دانستند و در حل اختلافات او را حکم می کردند،اما پس از آگاهی بر رسالتش، به یکباره چون تمام دنیای خود را در برابر پیام رهایی بخش او در خطر دیدند با تمام قوا و با هر آنچه در توان داشتند علیه وی به پاخاستند، ولی چه بیهوده تلاشی، که آن کس را که خداوند عزیز گرداند اگر تمامی جهانیان گردآیند نخواهند توانست اندکی از عزت وی بکاهند، و مشرکان بر اسرار و قدرت خداوند بس ناآگاه بودند و گذشت زمان این سرخداوندی را بر آنان آشکار ساخت. ولی اینک با گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال از بعثت آن بزرگمرد تاریخ بشریت و آخرین حلقه اتصال آسمان و زمین، هنوز نوای تشکیک از سوی نه مشرکان که دینداران دیگر ادیان که بر دینداری خویش داعیه بسیار دارند شنیده و خوانده می شود؛ و عجیب آنکه پیروان هر دین و آیینی، قرآن و پیام رسول اکرم را نسخه برداری از کتاب آسمانی و دین و آیین خود می پندارند، اینان دیدگان حقیقت بین خود را براین مسئله می بندند که استواری دین اسلام، حق جویی و تازگی آن برای نومسلمانان حتی در دنیای پیشرفته غرب، خود می تواند حجتی بر اصالت پیام رسول اکرم باشد.این نوشتار فرصتی است برای پاسخگویی به آن دسته ازمشرکان نوینی که شرک خود را در پس ادیان گوناگون پنهان ساخته و بر آخرین حجت حق، رسول اکرم محمد مصطفی (ص) اشکال می گیرند و او را نابغه و یا شاعری چیره دست می خوانند نه پیامبری که از جانب خداوند بر هدایت خلق مبعوث شده است؛ و این نیست مگر عناد دیرپای معاندان که بر سعی باطل خود باور دارند ولی خُبث طینتشان، آنان را بر طریقی چنین گمراه نگاه داشته است ". نویسندگان غربی که همه پدیده ها را با اصول مادی مورد مطالعه قرارمی دهند... می کوشند که نبوت پیامبران و زیر بنای این موهبت الهی را که وحی باشد با اصول مادیگری توجیه وتفسیر نمایند و آنچه را که پیامبران از شنیدن وحی و رویت فرشته مدعی هستند همه را مولود تخیل و تجلی شخصیت دوم پیامبران معرفی کرده و فداکاری و تلاش های توانفرسای آنان را نتیجه یک عمر فرورفتگی در خویش و فکر واندیشه پیرامون نجات قوم خویش می دانند. ["۱] . در این میان تنی چند از مستشرقان و سرسلسله آنان یک یهودی آلمانی، در صدد هستند با تشکیک در رسالت نبی مکرم اسلام، اعتبار قرآن را به عنوان تنها سخن الهی که دچار تحریف نشده است زیر سوال برند. بنیاد تمام تفاسیر غیرالهی این مستشرقان از بعثت پیامبر اسلام و محوری ترین سخن ایشان این است که:محمد نابغه و ابرمردی است که با مطالعه درمتون یهودیان و مسیحیان و اقتباس از آنان توانسته بنیاد اندیشه و تفکر خود را پی ریزی کند. این مدعیان برای اثبات نظر خویش بر چند مورد تاکید فراوان

دارند:- انکار امی بودن (فاقد توانائی خواندن و نوشتن) پیامبر؛- داشتن روابط فکری با علمای یهود و نصاری؛- داشتن روابط فعال با مراکز فکری – فرهنگی خارج عربستان.این موارد خلاصه ای از ادعاهای منکران بعثت نبی مکرم اسلام است که توسط گلدزیهر آلمانی – یهودی و درمنگام و بعضی غرب شیفتگان بیان می شود، و ما در صدد هستیم با ارائه دلایل عقلی، باطل بودن این ادعاها را آشکار سازیم.

## رسول اکرم پیامبر درس نخوانده یا نابغه

### نبوغ محمد

نبوغ پیامبر اسلام، امری است که مستشرقان و معاندان جدید رسول خدا (ص) نیز به آن اذعان واعتراف دارند و چنانکه گفتیم یکی از پایه های تفسیر غیرالهی ایشان از بعثت وی نیز همین اعتقاد به نبوغ و برخورداری آن حضرت از بهره هوشی بسیار بالاست. مسلمانان هم طبعاً اصل بهره مندی پیامبر اسلام از نبوغ را باور دارند. در این نکته جای هیچگونه مناقشه ای نیست، بلکه مناقشه در نتیجه ای است که مستشرقان از نبوغ محمد (ص) گرفته و اذعان و اعتراف به آن را برای تفسیر غیر الهی خود از بعثت کافی دانسته اند. برای رد این ادعا می توان گفت " نه علمای روانشناسی و تربیتی برفعلیت یافتن ظرفیت هوشی نوابغ، بدون محیط رشد مناسب باور دارند و نه تاریخ، نوابغی سراغ دارد که بدون مکتب و مدرسه و معلم و محیط مناسب... به شکوفایی رسیده باشند [" ۲] به راستی آیا می توان تصورکرد که فردی برخوردار از استعداد خدایی و هوش بسیار بدون دستیابی به آموزش و بدون پرورش آغازگر نهضت بزرگی شود که تاکنون ادامه دارد

### پیامبر امی

مفسران، محققان و مستشرقان در باب واژه امّی و معنای آن اتفاق نظر ندارند. برخی از ایشان واژه امّیین در آیه" هو الذی بعث فی الامّیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته "...را به معنای مشرکین و اعراب که اهل کتاب نبودند، گرفته اند. برخی نیز امّی را مأخوذ از ام القری و منسوب به آن دانسته و نوشته اند که اطلاق امّی به حضرت رسول از آن جهت است که اهل و ساکن ام القری یعنی مکه بود. غالب علمای لغت هم، امّی را به معنای کسی که قادر بر خواندن و نوشتن نباشد گرفته اند.در قرآن کریم دو بار در سوره اعراف از حضرت محمد به عنوان امّی یاد شده است. غالب مفسران در معنای امّی به نقل معانی متعدد یاد شده پرداخته و سرانجام معنای صریحی از آن به دست نداده اند. به این ترتیب به نظر می رسد که از طریق واژه مذکور، عدم توانایی رسول خدا را بر قرائت و کتابت نمی توان ثابت کرد. ولی با این حال قریب به اتفاق علمای مسلمان در امّی بودن پیامبر، در سالهای قبل از بعثت تردیدی ندارند. تعدادی از همین علماء، البته نه مبتنی بر دلایل تاریخی روشن، بلکه براساس استدلال عقلی که سواد، کمال است و پیامبری که دارای تمام کمالات است، نمی باید بعد از بعثت از این کمال بی بهره باشد، معتقدند که حضرت رسول پس از بعثت سواد آموخته و بر قرائت و کتابت توانایی یافته است ".آیه" و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لا تخطّه بیمینک اذاً لارتاب المبطلون" (تو پیش از نزول قرآن نه هیچ کتابی می خواندی و نه با دست خویش آن را می نوشتی، اگر چنان بود باطل گرایان به شک می افتادند) صراحتاً برعدم توانایی حضرت رسول در سالهای قبل از بعثت بر قرائت و کتابت تاکید می کند....که جمله انتهایی آیه، ضمن اینکه ارائه قرآن را با عنایت به بی سوادی پیامبر، به خودی خود اعجازی برای آن حضرت و صدق الهی بودن بعثتش می شمارد، تلویحاً بیانی تحریک آمیز نیز هست. بدیهی است سکوت تایید آمیز قریش در مقابل این آیه و عدم ادعایشان در با سوادی حضرت رسول، علی رغم بیان انکاری آیه، بارزترین دلیل بر بی سوادی آن حضرت است [".۳] .انکار بی سوادی پیامبر اسلام، از

سوی مدعیان یهودی و مسیحی به این معنی است که او در دوره قبل از بعثت معلمانی داشته که نزد ایشان قرائت و کتابت را آموخته است. ناگفته معلوم است که اگر پیامبر چنین معلمانی می داشت، طبعاً قریش از وجود آنان آگاه بودنـد و آنها را معرفی می کردند. اما قریشیان هیچگاه مدعی نشدند که پیامبر نزد کس یا کسانی قرائت یا کتابت آموخته است.

## پیامبر و شاعران

ادعای شاعری پیامبر هم از سوی منکران قریشـی ایشان و هم از سوی مستشـرقان عصـر حاضـر مطرح شـده است ". شاعران، در میان اعراب، عالمان، مورخان و روشـنفکران جامعه محسوب می شدنـد. این سـخن درستی است که شـعردفتر عرب است دفتری که تمام انـدیشه هـا، عقلیات و حکمت و فرهنگ و دانش عرب در آن انعکاس دارد [".۴] .شـاعران در میان اعراب جایگاه فرهنگی ویژه ای داشتند و مجبور بودند تمامی اطلاعات ممکن و لازم را گردآوری کنند، تا به هنگام ضرورت آنها را در خدمت شعر خود درآورند و به عنوان سـلاحی برای دفـاع از قبیله خویش مورد اسـتفاده قرار دهنـد. عرب جاهلی به هنگام جنگ بر هرچیزی که می توانست با قبیله رقیب مباهـات می کرد و در این میان که شعـر به سـلاح خیال پردازی و غلو مجهز است می توانست در مفاخره و گردن فرازی بسـیار به کار اعراب آیـد ".اگر قرار بود پیامبر اسـلام، دستمایه هایی برای اعتلای دانش و آگاهی خویش جسـتجو کند طبعاً باید با همین شاعران که دانشـمندان جامعه حجاز بودنـد، مربوط می شـد و در جمع ایشان رفت و آمـد می کرد و همانند ایشان با این دفتر عرب پیوستگی می داشت، اما نه تنها هیچ سند تاریخی از رابطه پیامبر اسلام با شاعران در دست نیست، بلکه گزارش هایی در دست داریم که خلاف این ادعا را نیز آشکار می سازد [" ۵] طبری (تاریخ نگار معتبر اسلام در سده)از پیامبر اکرم نقل می کند که ایشان شعر را دوست نمی داشـتند. علاوه بر این پیامبر اکرم برخلاف اعراب که شعرشـناس بودنـد یا اشـعاری را از حفظ داشـتند هیچگاه " شنـاخت دقیقی از قـالب های شـعری نداشـتند [" ۶] و قرآن کریـم به حق در این بـاره می فرمایـد": و مـا علّمنـاه الشّعر و مـا ینبغی له.("سوره یس آیه ۶۹)

## رسول اکرم و دیگر ادیان وآیین ها

### پیامبر و حنفاء

حنفـاء (جمع حنیف) بت پرسـتان مکه بودنـد که در آسـتانه ظهور اسـلام، از بت پرستی روی بر تافتنـد و خود را پیرو آیین حضـرت ابراهیم شمردند. به عبارت دیگر، اینان روشنفکران و عناصر مترقی و آگاه جامعه خویش بودند که با غور وتفکر در نظم آفرینش از یـک سو و نـاتوانی بتـان از سوی دیگر به باطـل بودن بتان و وجود خالقی یکتا ایمان یافته بودنـد. از میان حنیفان پیش از اسـلام می توان به ابوذر غفـاری اشـاره کرد.مستشـرقان ادعای پیامبر بر نبوت را ادامه جریان حنفا در حجاز می داننـد ولی در این باره می توان ایرادهایی را وارد دانست. اگر اسـلام در پیونـد با حنفا بود بایـد یکی از حنیفان مشـهور به رهبری این جریان می رسـید، و یا حنیفان بایـد جزء اولین ایمان آورنـدگان بوده باشـند ولی تاریـخ نشان می دهـد که " جریان حنفاء عقیم است و دین اسـلام بـدون کمترین پیونـد با ایشان پدیـد می آیـد....تاریـخ چهره تمام حنفای مکه را می شـناسد؛ شـگفت تر اینکه پس از بعثت پیامبر هم، هیچکدام از حنفاء به آن حضرت ایمان نیاوردند؛ با آنکه اگر او نماینده اقشار تکامل یافته اجتماعی جامعه خویش بود، علی القاعده باید نخستین کسانی که به او ایمان می آوردنـد و او را همراهی می کردنـد، همین حنفاء باشـند. حنفاء نه تنها پس از بعثت پیامبر به آن حضـرت ایمان نیاوردند، بلکه بعضـی از ایشان، نظیر امیهٔ بن ابی الصلت، به دشمنی با آن حضرت برخاست و در رثای کشته های مشرکین در جنگ بدر، اشعاری سرود [".۷] .

## پیامبر و یهودیان

یکی از مهم ترین ادله مستشرقین (البته به زعم خودشان) بر واهی بودن بعثت پیامبر ارتباط آن حضرت با علمای یهودی است. یهودیان در یکتاپرستی خود را پیشگام تمام ادیان می دانند و بر پیروان دیگر ادیان دراین زمینه مباهات می کنند و چنان پیامبران سایر ادیان را منکر می شوند که گویی خداوند در بعثت انبیا می بایست از آنان اجازه می گرفت؛ از اینرو با این که در کتاب تورات (البته کتاب بدون تحریف تورات) نام و نشان پیامبران پس از موسی ذکر شده بود ولی یهود، تمام این انبیا را منکر شدند و برای انکارآنان،آن سخنان الهی (انجیل و پس از آن قرآن) را نسخه برداری از تورات و عهد عتیق خواندند؛ این در حالی است که ادعای آنان که عمری به درازای تاریخ اسلام دارد تنها به نبی مکرم اسلام محدود نمی شده است و حضرت مسیح نیز مورد این ادعا ی یهودیان قرارگرفته است. در باره این ادعای یهود می توان گفت ": مرکز یهودیت حجاز، شهر یثرب بود. بر خلاف این شهر، مکه هرگز مرکز زندگی یهود نبود و یهودیان در آنجا توطن نداشتند. تعرض گسترده قرآن در سوره های مدنی به یهودیان و سکوت مطلق این کتاب آسمانی در آیات مکی در باره آنان، آشکارا حاکی از آن است که در این شهر خبری از وجود یهودیان، و یا نفوذ آنان نبوده است. طبعاً اگر جریان غیر از این بود، قرآن در آیات مکی متعرض ایشان می شد و آنان را همچون مشرکین مکه، مورد خطاب قرار می داد و یا از عناد ایشان سخن می گفت ["۸. "] .ولفنسون نویسنده یهودی، تصریح می کند که قبل از بعثت، یهودی عالمی در مکه زندگی نمی کرده است. "درست با توجه به این نکته است که می توانیم نتیجه بگیریم پیامبر اسلام قبل از بعثت، در مکه با هیچ عالم یهودی ارتباط نداشته است تا بتواند آیین و رسالت او را از این طریق تبیین بشری نمود ".طبعاً اگر محمد (ص) کمترین پیوند فکری با یهودیان داشت و از آنان چیزی می آموخت، ایشان با توجه به کینه شدیدی که نسبت به وی داشتند، این معنی را در همان زمان که قریش به دنبال یافتن معلم و آموزگاری برای محمد بودند، آشکار ساخته، نمی گذاشتند تا برخی مستشرقین یهودی، پس از هزار و چهار صد سال، زحمت طرح ادعایی بی سند و مبنا را بکشند".یک اسلام شناس غربی درباره ادعای یهودیان مقایسه ای میان قرآن و تورات انجام داده است تا تفاوت های آن دو و ادعای باطل یهودیان را آشکار سازد":در باب آفرینش، عدم تشابه میان معلومات عهد عتیق و آیات قرآن جالب توجه است و خصوصاً پاسخگوی این اتهام بی ربط و بی پایه به پیغمبر اسلام است که از آغاز اسلام تاکنون تکرار می شود. بدین بیان که: وی به نسخه برداری و رونویسی روایات عهد عتیق پرداخته است.... فرضیه رونویسی از عهد عتیق غیر قابل دفاع است، زیرا گزارشی که قرآن از آفرینش عرضه می کند، با گزارش عهد عتیق تفاوت کلی دارد....این مطلب به همان اندازه بی بنا و بنیاد است که گفته می شود پیغمبر اسلام (ص) از تعلیمات مذهبی یک راهب مسیحی استفاده کرده است. ["۹] .برای روشن تر شدن این مطلب بهتر است به تصویری که قرآن از پیامبران یهود نظیر داود (ع) ارائه می کند با تصویرتوراتی آنان مقایسه شود. قرآن داود را چنین معرفی می کند: به او مقام حکم فرمایی و دانش عطا کردیم (انبیا ۷۸و۷۹)، بهره داود به فضل و کرم خداوند کامل شد (سبا ۱۰)، نیرومند بود وبه درگاه ما توبه وانابه می کرد (ص ۱۷). در صورتی که یهودیان در تورات تحریف شده به این پیامبر خدا، نسبت رابطه نامشروع با زنی شوهردار وارد می سازند. این خود گوشه اندکی از نارسایی بسیاراین ادعاست.

## پیامبر و مسیحیان

این ادعا که پیامبر اسلام، تعالیم خویش را تحت تاثیر آموزش علمای نصاری عرضه داشته است، مطلبی نیست که تنها برخی از مستشرقان قرون اخیر آن را عنوان کرده باشند، بلکه اشراف قریش نیز که می دیدند تهمت های گوناگون آنان به پیامبر، در نظر همگان سست و بی پایه است و شخصیت وی با شاعران، کاهنان و ساحران تفاوت فاحش دارد، سرانجام تصمیم گرفتند برای آن

حضـرت معلمی دست و پـا کننـد. حاصـل این تلاـش این بود که آهنگری رومی را که در نـام او نیز اختلاـف وجود دارد، به عنوان آموزگار وی معرفی کردنـد، و گفتنـد که چون دیـده اند محمد (ص) گاهی برای دیدن چگونگی ساخت شمشیر به محل کار این آهنگر می رفتـه، پس تعـالیم خـود را از وی کـه زبـان عربی را هم درست نمی دانسـته، فرا گرفته است "!قرآن مجیـد در پاسـخ این تهمت می گویـد: لسان الـذی یلحـدون الیه اعجمی و هـذا لسان عربی مبین (زبان کسـی که به آن اشاره می کنند غیرعربی است در صورتی که این قرآن به زبان عربی آشـکار است) (نحل ۱۰۳ [")۱۰] .و امـا در این باره با دلایل تاریخی و منطقی می توان گفت": در مقایسه با یهودیت، نفوذ مسیحیّت در سراسـر حجاز بسیار محدود بود. این محدودیت در شهر مکه به حدّ اعلی می رسید. اصولاً با توجه به خصایص جهان شناسـی مسیحی آن روز، علمای این مذهب اغلب ترجیح می دادند تا در مراکزی دور از شهرها زندگی کننـد و عمر خود را به عزلت و گوشه گیری بگذراننـد؛ بنـابر این بایـد پرسـید که معـدود معلمان فرضـی مسیحی محمـد (ص) چه کسانی بودند. مسـیحیان بردگانی بودند که از شهرها و نقاط دیگر خریداری شده و در مکّه نزد اربابان خویش زندگی می کردند و از طریق انجام خدمات و فعالیت هایی خاص، درآمد و ثروتی برای اربابان خود تدارک می دیدند.... برخی از مستشـرقین تلاش بی ثمر و متروک بعضـی از علمای مسیحی قرون وسـطی را زنـده کردنـد و مـدعی شدند که پیامبر اسـلام، مبانی آیین خویش را از دو راهـب مسیحی (بحیرا و راهب بُصـری) اخـذ کرده است [". ۱۱] . ولی اساساً ملاقـات پیـامبر اکرم با این دو راهب مسـیحی ازسوی تاریخ نگاران جای شک وشبهه دارد و بسیاری از آنان در پایان نقل این داستان با جملاتی از قبیل الله اعلم فقدان منابع معتبر در این بـاره را آشـکار سـاخته انـد. حـال بر فرض وقوع این ملاقـات هـا " آیا می توان سرچشـمه آموزشـهای پیامبر اسـلام را آن دو راهب مسیحی دانست؟ آیا انسان عاقل و اندیشـمند، می توانـد دو ملاقات کوتاه را که به فرض صـحت وقوع، گـذرا و شـتابزده دقایقی به هنگام عبور کاروان روی داده و متن سـخنان رد و بدل شده در آنها هم جز پیشـگویی رسالت رسول خدا، حاوی هیچ سخن دیگری نیست، مبنای تکوین آیین گسترده اسـلام در اندیشه پیامبر بداند؟ این ادعاهای سـست ممکن است معاند را به ظاهر ساکت کند، اما خرد خردمندان را قرار و آرام نمی دهد [".۱۲] .مرحوم دکتر رامیار (در این باره) می نویسـد:آن معارف عالیه قرآن کجا و این چند تن مرد گمنام و یا افسانه ای کجا که حداکثر، راهب دیر دور افتاده بُصـری و یا زاهد عزلت نشـین مکه و یا آهنگر سرگذر و یا چند تن سـرباز حبشـی وامانده از لشگر ابرهه بوده اند. این سخنان بیشتر به شوخی های سبک مردم سبک مغز می ماند تا به سخنی جدّی و در خور اعتناء. چنین است که قرآن با لحنی قاطع این سـفاهت ها را می کوبـد و اعلان می کنـد": و ما کان هـذا القرآن ان یفتری من دون الله و لکن تصدیق الّذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لاریب فیه من رب العالمین ("و این قرآن نه چنان است که کسی جز به وحی خـدا توانـد یافت، و لیکن سایر کتب آسـمانی را نیز تصدیق می کند و کتاب الهی را تفصـیل می دهد که بی گفتگو از جانب پروردگار جهانیان است). (یونس/ ۳۷)

## کلام آخر

اگر انگیزه عناد را برای گلدزیهر و دیگر مستشـرقینی که نبوت پیامبر مکرم اسـلام را منکر می شوند، نپذیریم، لااقل باید بگوییم که اینان نمی دانسته انـد که با انتساب این موارد به پیامبر اسـلام به راهی رفته اند که مشـرکین قریش رفتند. به عبارت دیگر قریشـیان و اعراب بادیه نشـین صـدر اسـلام که همه بر جاهل بودن آنان اذعان دارنـد همان دلایلی را اقامه کرده انـد که اینک افرادی که داعیه برخورداری از دانش روز دارند. خداوند این آیات را نه تنها برای قریشیان، که برای تمام منکران در سراسر تاریخ گفته است ": فلا اقسم بالخنس الجوار الکنّس و اللّیل اذا عسعس و الصّبح اذا تنفّس انّه لقول رسول کریم ذی قوّهٔ عند ذی العرش مکین مطاع ثمّ امین و مـا صـاحبکم بمجنون و لقـد راه بالاـفق المبین و مـا هو علی الغیب بضـنین و ما هو بقول شـیطان رجیم فاین تـذهبون ان هو الّا ذکر للعـالمین لمن شآء منکم ان یسـتقیم و ما تشآوون الا ان یشاء الله ربّ العالّمین.سوگنـد به اختران گردان که نهان شونـد و از نو آینـد،

وبه شب چون روان گردد و به صبحدم آنگه که نفس برکشد که این قرآن سخن فرستاده ای گرانقدر است، نیرومند که در پیشگاه خداوند عرش صاحب اختیار مطلق است. هم مطاع و هم امانتدار است؛ رفیق شما مجنون نیست. بی شک رسول شما و آن رسول آسمانی، در افقی بالاتر با هم دیدار کرده اند. دانش غیبی بخیل نیست و قرآن سخن شیطان مطرود نیست. پس به کجا می روید؟ این قرآن فقط یادواره ای برای جهانیان است، برای کسی از شما هم که بخواهد در راه راست قدم بگذارد و شما نمی خواهید مگر آنکه خدا پروردگار عالمیان خواسته باشد(".تکویر،آیات ۱۶الی ۲۹)و اما در مورد ادعای پایانی مستشرقان مبنی بر ارتباط پیامبر اکرم با خارج شبه جزیره باید گفت که رسول مکرم اسلام تنها یک بار آن هم در بیست و پنج سالگی با کاروان تجاری خدیجه به شام سفرکرد و این سفربهانه ای به دست مغرضان و دیرباوران داده تا سرچشمه قرآن را در این سفرو در شام جستجو کنند. آیا کسی که واجد این میزان ذخایر عقلی است که می تواند نام او را ازگمنامی به در آورد، این ذخایر را در اختیار جوانی از صحرای عربستان می گذارد که در پناه آن به بلند آوازه ترین مرد تاریخ بشری تبدیل شود؟ به هر روی به نظر می رسد معاندان دین اسلام که بر پوشالی بودن تمام آیین ها و ادیان موجود و درخشش اسلام در برابر آنها باور دارند در صدد هستند با دانش اندک و جان های بی مقدار خویش این درخشش را از اسلام بازستانند ولی مثل این معاندان و درخشش قرآن و اسلام مانند روشنایی کرم شب تاب در برابر خورشید عالم تاب است.

## پاورقی

[۱] سبحانی.جعفر. راز بزرگ رسالت. ص ۱۶۲.

[۲] زرگری نژاد. غلامحسین.تاریخ صدر اسلام،عصر نبوت.ص ۲۰۰.

[۳] همان ص ۲۰۱.

[۴] همان ص ۲۰۴.

[۵] همان.

[۶] همان.

[۷] همان ص ۲۰۵.

[۸] همان ص ۲۰۶.

[۹] همان ص ۲۰۷.

[۱۰] سبحانی ص ۱۹۰.

[۱۱] زرگری نژاد. ص ۲۰۸.

[۱۲] همان ص ۲۰۹.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

